

نام و نام خانوادگی	عنوان رساله	استاد/اساتید راهنما	استاد/اساتید مشاور
علی محمد رنجبر کرمانی	روش سامانه ای در طراحی معماری در پرتو بینش اسلامی	مهندس نقره کار- دکتر معماریان	-

چکیده

الف - بیان موضوع، دامنه و محدوده آن

طراحی معماری مهمترین فعالیت هر معمار و دانش آموخته رشته معماری است. معماران با رویکردهای گوناگون، این فعالیت را در فرایندی با گامها و مراحل می پیمایند که گاه همانند است و گاه بسیار از هم جداست. معمولاً آغازگر فرایند، رویارویی معمار طراح با موضوع طرح و برآورد نیازها است؛ سپس گسترش طرح؛ و سرانجام، ارائه پیش طرح های اولیه است. دامنه و محدوده این رساله، از آغاز فرایند، تا ارائه پیش طرح های اولیه را دربر می گیرد؛ و تنها به بررسی و تبیین دوباره عواملی می پردازد که در این فرایند مؤثر هستند. این رساله تنها به همین بخش از فرایند طراحی می پردازد؛ چرا که پرسش، فرضیه، و نتایج رساله تنها مربوط به همین بخش می شود.

ب - پرسش های رساله

پرسش اساسی این است که ماهیت طراحی معماری چیست؟ و آیا روش مدار است یا هدف مدار؟ یا هر دو؟ فرایند طراحی معماری با چه مسیر و چه روشی بهتر پیموده می شود؟ به انسان و نیازهای او چگونه در آن پاسخ داده می شود؟ چگونه باورها و اعتقادات، و انسان شناسی طراح در طرح او مؤثر می افتد؟ چگونه می توان پاسخ نیازهای فضایی انسان و جامعه انسانی را برپایه جهان بینی اسلامی در این فرایند داد؟

پ - کمبودها و ضرورت ها

امروزه فرایند طراحی در زمینه های شالوده نظری، هدف، روش و مسیر دارای کاستی هایی است. اگرچه از سوی اندیشمندان حوزه معماری، برای این کاستی ها پاسخ هایی ارائه شده؛ ولی برخی پرسش ها هنوز برجا هستند. امروزه طراحان برای پیمایش فرایند طراحی با دشواری های کمابیش بزرگی روبرو شده اند. عوامل مؤثر در طرح بسیار گوناگون و پیچیده شده اند؛ مهار و مدیریت این همه عوامل، و کار گزینش و ارزیابی راه حل ها نیز دشوار شده است. طراحان شیوه های گوناگونی را می پیمایند که کمتر قاعده مند، و بیشتر متکی به ذهنیت خود آنها است. از این رو فرایند طراحی از دسترس نقد و بررسی از سوی دیگران بدور مانده است. جایگاه فردیت و خلاقیت خود معمار چندان در فرایند روشن و تبیین نشده است و طراحان از نبود یک شالوده استوار برای پیمایش فرایند به سختی می افتند. موارد زیر در این رساله مورد توجه قرار گرفته است:

الف - کاستی های روش های معاصر در طراحی معماری، به ویژه در باب شالوده نظری، مسیر و روش فرایند طراحی.

ب- نادیده گرفته شدن نیازهای عالی انسانی و فروگاهی آنها به نیازهای آلی (ابزاری) و اولیه در نیازسنجی فرایند.

پ- انتقادناپذیری روش های فردی طراحی، و روآوری طراحان به روش های خودبنیاد و جزم اندیش.

ت- هدف رساله

از دید این رساله، روش و مسیر طراحی، کاملاً وابسته به هدف آن، و هدف آن نیز کاملاً وابسته به شالوده آن می باشد. پس باید گفت برای دستیابی به یک روش و مسیر درست، نیاز است که یک شالوده منطقی و استوار ساخته و پرداخته شود؛ تا بتوان بر پایه آن هدف هایی را برای فرایند بدست داد که پیامد منطقی آن شالوده باشند. انگاره و فرضیه کلی این رساله این است که «نگرش سامانه ای» می تواند پاسخ هایی منطقی، استوار و اقناع کننده به کاستی های فرایند طراحی، در زمینه های هدف، روش و مسیر آن بدهد. این نگرش مانند هر نگرش پایه دارای دو مبنای معرفت شناسانه و هستی شناسانه می باشد که پشتیبان آن هستند.

هدف این رساله دستیابی به روشی برای پیمودن درست فرایند طراحی معماری، با تحلیل ماهیت فرایند طراحی معماری و با توجه به کاستی های رویکردهای امروزی در این باره، و با آموختن از ناکامی های گذشته است.

ث- فرضیه رساله

فرضیه این رساله در سه زمینه زیر آشکار می شود:

الف- زمینه هستی شناسانه: روند طراحی معماری، همچون پدیدآوردن یک سامانه (سیستم) از عوامل و اجزاء مؤثر در طرح است؛ و این سامانه از اصول حاکم بر همه سامانه ها پیروی می کند.

ب- زمینه معرفت شناسانه: فرایند طراحی همان فرایند کلی ساماندهی در ذهن است؛ و با تحلیل فرایند اندیشیدن، الگوها و قواعدی برای ساماندهی کار طراحی معماری بدست می آیند.

پ- زمینه روش شناسانه: برپایه نگرش سامانه ای به هستی و به معماری، روشی «هدف محور» برای طراحی معماری معرفی می شود که فرایندی پیوسته را برگرد موضوع طرح، همچون یک ماهواره (طراح) بر گرد یک هسته (طرح) می پیماید. مدار ماهواره و فاصله آن با هسته ثابت نیست و پیوسته برپایه ساختار ذهنی طراح دگرگون می شود. ولی طراح در هر مدار تلاش می کند به گروهی از نیازهای همگون طرح بپردازد و سپس به مدار دیگر رسیدگی کند.

ج- دستاوردها و نتایج رساله

این رساله سرانجام به روشی برای طراحی معماری می رسد که آن را «روش سامانه ای» (سیستمی) نامیده است. این روش برپایه جهان بینی توحیدی، اسلامی شالوده ریزی شده و با رویکردهای کل گرایانه و به ویژه «نظریه عمومی سیستم ها» که یکی از مهمترین نظریه های سده بیستم بوده،

پشتیبانی می شود. به ویژه آنکه این نظریه نیز رویکردی کل گرا و وحدت جویانه و ساختاری سلسله مراتبی را ارائه می کند.

در روش سامانه ای در طراحی چنین انگاشته می شود که هر فرایندی با هدف دستیابی و پدیدارسازی یک «سامانه» (system) پیموده می شود. در جهان معماری و در فرایند طراحی معماری، این هدف، دستیابی به یک فراسامانه (meta system) فضایی است که توانایی آن را دارد تا به نیازهای فضایی انسان پاسخ دهد. بر پایه فرضیه این رساله ، فرایند طراحی معماری همچون فرایند ساخت و پدیدآوردن یک سامانه (سامانه بدان معنی که در این رساله تعریف می شود) است؛ و همه اصول و قواعد در ساخت سامانه ها بر این فرایند نیز چیره است. نیز این رویکرد می تواند برخی کاستی ها را که روش های امروزی فرایند طراحی بدان ها دچار هستند از میان ببرد.